ای دو مجاهد فی اللّه هيچ نفسی را سزاوار نه که عبدالبهآء…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٠٠

ای دو مجاهد فی اللّه هيچ نفسی را سزاوار نه که عبدالبهآء را آزمايش نمايد زيرا همين امتحان سبب افتتان خود او گردد. ثقلت قليله را به اين موازين توان سنجيد امّا ثقل اعظم چگونه در اين موازين گنجد بلکه ميزان را متلاشی نمايد. ولی اشارتی بايد تا بشارتی حاصل شود و کرشمه‌ای شايد تا هدايتی رخ بگشايد. ای دو يار مهربان با وجود همدمی عدم اتّفاق در موضوع واحد چرا حاصل. در قرآن فکشفنا عنک غطائک واقع و خطاب به کسانيست لقد کنت فی غفلة عن ذلک. انصاف بايد نه اعتساف و تحرّی دليل ثبوت شايد نه نفی اوصاف. به هر کس رسيدم بگفتم که اوست تا جمال مقصود معلوم گردد و نهايت آرزو ميسّر شود. اگر آن رأی صحيحست و ميزان صريح چرا استقرار در آن نيست و تردّد حاصل. گهی به نظر آيد که ميزان اينست و برهان چنين پس چرا دمی ديگر خلل در اين رأی حاصل. ميزان در دست حقّست نه در دست خلق والّا هر يک ميزانی قرار دهند و موازين نامتناهی گردد و عليکما التّحيّة و الثّنآء.